



فرحناز دهقی / خبرنگار

او داستان ترمیم فیلم «شطرنج باد» را به نقل از گاردین تعریف کرده است

جمع خوانی



تولّد دوباره

وقتی فیلم اصلی سر از دفتر اسکورسیزی درآورد

← کم پیش می‌آید که ماجرای ترمیم یک فیلم، به جذابیت داستان خود فیلم باشد، اما فیلم شطرنج باد، به کارگردانی محمدرضا اصلانی یک استثنا به شمار می‌رود. این فیلم که تنها دو بار در ایران به نمایش در آمد، یک بار برای منتقدانی که خصمانه به تماشای آن نشسته بودند و دومین بار هم در یک سینمای خالی، سرانجام قربانی نقدهایی شد که آن را بد توصیف کرده بودند. اصلانی که اکنون ۷۶ سال دارد و ساکن تهران است، در این باره می‌گوید: این اتفاق بزرگی برای من است. از سوی دیگر، ترمیم این فیلم باعث می‌شود به مخاطب این فرصت داده شود که بتواند از زاویه دیگری به سینمای ایران نگاه کند و با فیلمسازی آشنا شود که به دلیل پیچیدگی‌های فیلم‌هایشان به حاشیه رانده شده‌اند. این فیلم نه تنها با نگاهی نقادانه به فساد خاندان قاجار نور افکنده بود، بلکه نمایانگر قدرت زنان و شکاف اجتماعی نیز بود. به همین دلیل فرصت دیده شدن نیافت و اندکی پس از دو اکران، گفته شد که این فیلم گم شده است. گیتا اصلانی دختر او در این باره می‌گوید: پس از اکران فیلم پدرم، منتقدها گفتند این فیلم هیچ معنا و مفهومی ندارد و کارگردان تلاش کرده فقط یک اثر روشنفکرانه بسازد تا از سینمای اروپا تقلید کند. هفت سال پیش که من در حال تحصیل در مقطع دکتری بودم، می‌خواستم رساله‌ام را درباره سینمای مؤلف در ایران بنویسم. از آنجایی که این فیلم هم بخشی از این سینما است، شروع کردم به گشتن برای پیدا کردن یک نسخه از آن. گیتا اصلانی که به نویسندگی و تدریس در پاریس مشغول است، آرشیو فیلم‌های بین‌المللی را گشت اما حتی یک نسخه از آن را پیدا نکرد. گیتا از برادر خود امین در تهران خواست که به او کمک کند. در آرشیوها و لابراتوارهای ایران نیز این فیلم موجود نبود. به نظر می‌رسید شطرنج باد برآستی گم شده است. تا اینکه در سال ۲۰۱۴، امین در یک مغازه خنزرینز فروشی با یک قوطی فیلم روبه‌رو می‌شود که به گفته فروشنده برای دکور استفاده می‌شود. مانند یک داستان تمام عیار، او در این قوطی یک نسخه از فیلم گمشده پدرش را پیدا کرد. پس از این اتفاق افسانه‌ای، فیلم به پاریس ارسال می‌شود تا ترمیم آن آغاز شود. مؤسسه مارتین اسکورسیزی، نهاد فیلم پروژه سینمای جهان و سینتکا دی بولوگنا در همکاری با یکدیگر کار را آغاز می‌کنند. شطرنج باد، سرگذشت خانواده‌ای اشرافی است که به دنبال فوت

بزرگ خانواده، نهاد خانواده هویت خود را از دست می‌دهد و میان اعضای آن بر سر تصاحب ثروت بر جای مانده مناقشه در می‌گیرد. فخری خوروش، با صورت لاغر و استخوانی خود توانسته به خوبی در نقش خانم کوچک (وارث خانم بزرگ) ظاهر شود و احساس فلاکت و ناامیدی را به مخاطب القا کند. خانم کوچک قادر به راه رفتن نیست و به همین علت تحت سلطه مردان اطراف خود اعم از پدرخوانده، برادرزاده‌های او، بازیبرس محلی و... قرار گرفته است؛ اما همه آنها به دنبال تصاحب ثروت او هستند و سرنوشت این دختر برای آنها هیچ اهمیتی ندارد. او با کمک ندیمه خود علیه آنها طغیان می‌کند تا با وجود فضای بسته و ناتوانی جسمی‌اش از حقوق خود دفاع کند. در این میان روابطی که میان اعضای این خانواده شکل می‌گیرد بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید و کنترل اوضاع از دست خارج می‌شود و در نهایت این ثروت بادآورده، تمام اعضای خانواده را قربانی می‌کند. داستان منحصر به فرد این فیلم تنها یکی از ویژگی‌های برجسته آن است؛ طراحی صحنه و دکور آن مطابق با مینیاتور ایرانی در نسخه ترمیم شده تحسین برانگیز و الهام‌بخش است. در کشاکش داستان، می‌توان ردی از تأثیر آثار جنایی و رازآلود ادگار آلن پوهم جست. تأثیر استادان بزرگ سینمای اروپا مانند پیر پائولو پازولینی، لوچینو ویسکونتی و رابرت بروسون هم به وضوح در فیلم پیداست. با وجود آنکه ۴۴ سال از ساخت فیلم گذشته اما کارگردانی آن با شاخص‌های کنونی همخوانی دارد؛ فیلمبرداری مطابق با صحنه‌های مختلف فیلم انجام شده و در پس زمینه فیلم، بسته به سکانس برای تشدید



احساس ترس و تهدید در مخاطب، صدای پارس سگ، هیاهوی باد، زوزه گرگ‌ها به گوش می‌خورد. جالب آنکه کارگردان تلاش کرده در برخی سکانس‌ها برای القای احساس انزوا، رخت و خفگی، صدای نفس کشیدن کاراکترها بلندتر از معمول باشد. شیدا قرچه‌داغی هم که موسیقی فیلم را ساخته، از موسیقی اصیل ایرانی الهام گرفته تا احساس و فضای اشراف‌زادگی ایرانی را تشدید کند. اصلانی درباره واکنش‌ها به این فیلم می‌گوید: انتظار چنین استقبال پرشوری را نداشتم. البته خیلی خوشحالم که این فیلم در نهایت، شرافتمندانه به نمایش در آمد و توسط لنزی که به سینمای پوپولیست و پروپاگاندا متعلق است، نمایش داده نشد. رابین بیکر سرپرست آرشیو ملی BFI که فیلم شطرنج باد را در برنامه اکران جشنواره فیلم لندن گنجانده، می‌گوید: من تصور می‌کنم این فیلم بر کانون فیلمسازی جهان اثر بگذارد، جاه‌طلبی آن در ابعاد مختلف حیرت‌انگیز است. طنین این فیلم بسیار بلندتر از جغرافیای سینمای ایران است. شوکه‌کننده است. به جرات می‌توانم بگویم بینندگان هرگز مانند این فیلم را ندیده‌اند، تفاوتی هم ندارد سلیقه‌شان در فیلم چگونه باشد؛ این فیلم نه تنها انتظارات از سینمای ایران بلکه از فرهنگ ایران را درگون می‌کند. اصلانی این فیلم را در ۳۳ سالگی کارگردانی کرد و پس از آن به راه خود در مسیر فیلمسازی، نویسندگی، شاعری و پژوهش ادامه داد. او درباره آینده می‌گوید: من امیدوارم بتوانم اثر تازه‌ای بسازم که ۱۰ سال زمان صرف نوشتن فیلمنامه‌اش کرده‌ام. اما از آنجایی که در ایران نام من به عنوان یک کارگردان غیرتجاری جافاتاده، هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر به ریسک نمی‌شود تا با پروژه من همکاری کند. با همه این تفاسیر، شطرنج باد نشانگر استعداد بی‌بدیل او در فیلمسازی است؛ اما دختر او گیتا هدف شخصی دیگری از تلاش برای به نمایش درآوردن شاهکار پدر دارد؛ وقتی پدرم نسخه ترمیم شده فیلمش را دید، گفت انگار به دیدن تر اپیست رفته است. گویا تماشای دوباره فیلم باعث شده بود او بار دیگر یادش بیاید چرا از ابتدای زندگی‌اش می‌خواسته فیلمساز شود. او واقعاً خوشحال است. از هیچ چیز پشیمان نیست. پدرم می‌گوید این فیلم برای حکم فرزندی را دارد که سال‌ها گمشده بود؛ اما اکنون دوباره یکدیگر را پیدا کرده‌اند.

منبع: گاردین